



راهکارهای معماری برای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز در سطح ساختمان مسکونی (نمونه‌های مورد مطالعه: مسکن بسیجیان نالش، مسکن مهر رشت و مسکن

ارکید گلسار رشت)^۵

دکتر مهرداد جواهریان^۲ ✉

سید امین سیدین^۱

دکتر قادر بایزیدی^۴

دکتر حسین آقابابایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و دسته‌بندی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی انجام شده است. توجه به سطوح مختلف فضای سکونتی و دسته‌بندی راهکارهای به دست آمده از مفاهیمی مانند نظارت طبیعی، قلمروپایی، کنترل دسترسی و شنودپذیری، می‌تواند گامی موثر در روشن نمودن سازوکار تاثیرگذاری راهکارها باشد و در تدقیق نحوه ارایه و پیش‌بینی نتایج راهکارها، کمک هدف‌مند نماید. سطوح مختلف فضای سکونتی عبارت‌اند از: فضا، واحد، ساختمان، مجموعه، محله، منطقه، شهرک یا شهر. روش جمع‌آوری اطلاعات در نوشتار حاضر، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری و نیز استفاده از مطالعات میدانی و ابزار پرسش‌نامه است که به روش‌های آماری تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اولویت کاربرد هر یک از اصول نظارت طبیعی، قلمروپایی، کنترل دسترسی و شنودپذیری در ارایه راهکارها، با توجه به سطح سکونتی ساختمان و بالاخص گونه متناسب آن، متفاوت است.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، پیشگیری مکان‌محور، طراحی محیطی، نظارت طبیعی، قلمروپایی،

کنترل دسترسی و شنودپذیری

۱. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

۲. استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان.

۴. استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

۵. این مقاله برگرفته از رساله دکترای تخصصی سیدامین سیدین در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج با عنوان «دسته‌بندی راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز با توجه به سطوح مختلف فضای سکونتی (واحد، ساختمان و مجموعه)» به راهنمایی دکتر مهرداد جواهریان و مشاوره دکتر حسین آقابابایی و دکتر قادر بایزیدی است.

مقدمه و طرح مسئله

بیش از نیمی از جمعیت جهان را در حال حاضر، جمعیت شهری تشکیل می‌دهد و پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۶۰ درصد افزایش یابد (Cozen&Love, 2015: 1). ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم مرتبط با فضاهای شهری، از موارد اصلی ناامنی محیط زندگی و در نتیجه مختل شدن آرامش مردم و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جوامع هستند (ایرانی بهبهانی و شیخی، ۱۳۹۳). از این میان جرائم مرتبط با خانه و کاربری‌های مسکونی که در این جا به وضوح مسکن مجموعه‌ای مد نظر است، محمل وقوع بسیاری از گونه‌های بزه و از مهم‌ترین آماج جرم به حساب می‌آید.

فضای زندگی، شکل دهنده پس‌زمینه‌های لازم برای سلامت و هویت ساکنین می‌باشد. از این رو طرح باید بتواند به مفهوم حساس این نیاز پاسخ دهد (پنیا و پارشال، ۱۳۸۱: ۲۷). یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در زمینه کاهش میزان وقوع جرم، طراحی شهری و معماری است. فلذا ضرورت پرداختن به این مسئله و تلاش برای تنسيق تمهیداتی پیشگیرانه در این حوزه که در اینجا از نگاه معماری بررسی می‌شود، بسیار روشن است. به‌ویژه که پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که میزان وقوع بزه در مکان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند و این اهمیت و تأثیر معماری به‌عنوان ظرف وقوع روی داده‌ها را خاطر نشان می‌سازد.

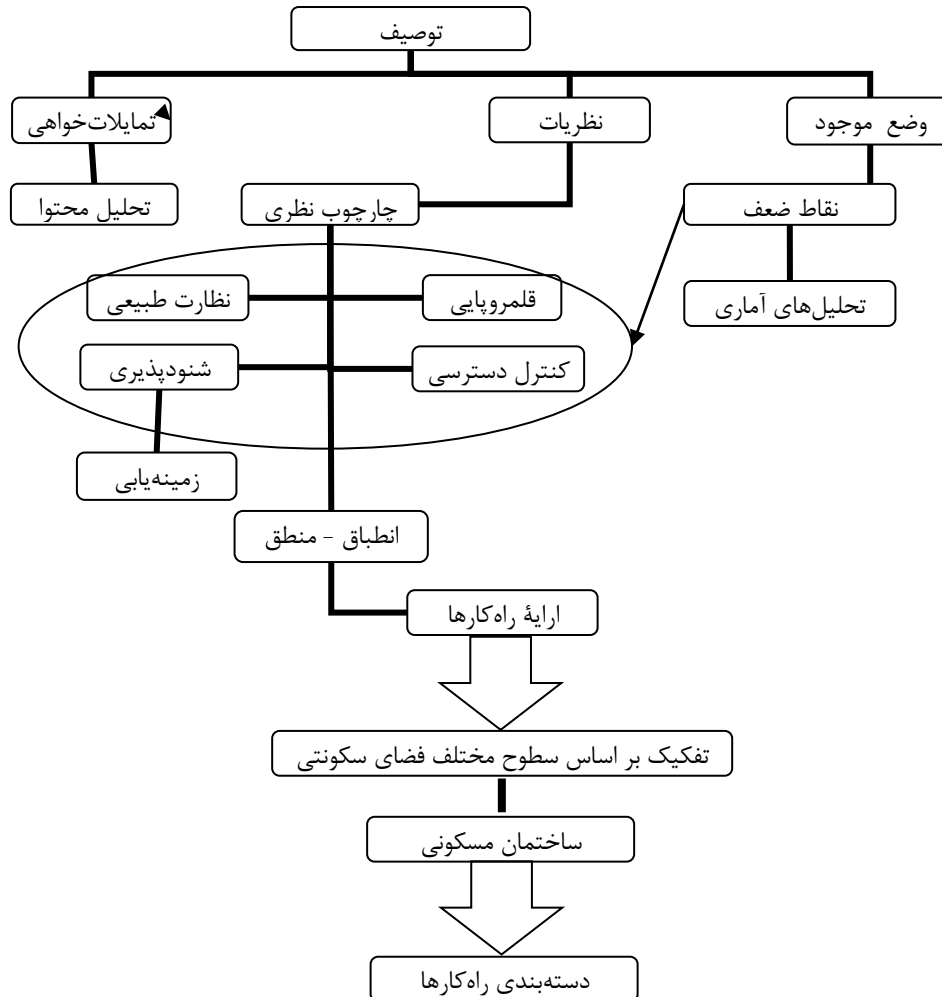
نظریات متعددی توسط محققین مختلف ارائه شده‌اند که در آن‌ها امکان تأثیر محیط بر رفتار انسانی ثابت شده است. در حقیقت نظریه پردازان بسیاری وجود دارند که بر این عقیده‌اند که می‌توان با ایجاد تغییرات هدف‌مند در محیط، سبب کاهش میزان وقوع جرم در یک مکان خاص شد.

در پژوهش حاضر، چهار اصل از اصول مختلف قابل شمارش در حوزه مطالعاتی پیشگیری از وقوع جرم که ارتباط مستقیم و نزدیک‌تری با فاز طراحی و معماری این مبحث دارد، انتخاب شده است. این اصول عبارت‌اند از: نظارت (رویت‌پذیری)، قلمروپایی (تفکیک قلمروهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی)، کنترل دسترسی و شنودپذیری.

هدف پژوهش حاضر، بررسی اصول مرتبط با پیشگیری از وقوع جرم در ارتباط با سطوح مختلف فضای سکونتی، دسته‌بندی و ارائه راه‌کارهای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی با توجه به سطوح مختلف فضای سکونتی است که در این جا سطح ساختمان مسکونی مورد اشاره می‌باشد. در حقیقت پژوهش حاضر می‌کوشد مباحث مطروحه پیرامون پیشگیری از وقوع جرم را از حالت کلی و غیرکاربردی، به سمت دقت بیشتر و کاربرد آگاهانه‌تر سوق دهد. لازم به ذکر است که تمرکز پژوهش حاضر بر جنبه غیرفعال بودن راه‌کارها است به گونه‌ای که بدون صرف هزینه‌های

انسانی و مالی و تجهیزات مربوطه و تنها از طریق طراحی، پیش‌بینی راه‌کارهای کالبدی مورد نیاز در بحث پیشگیری از وقوع جرم انجام پذیرد.

فرآیند پژوهش



نمودار ۱. طرح شماتیک پژوهش

۱. جرم و پیشگیری از آن

جرم در محل سکونت، شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد: تخریب عمدی یا غیرعمدی اشیاء و وسایل، (وندالیسم)، سرقت با شکستن حرز و ورود به ملک دیگری (برگری^۱)، سرقت اتومبیل و سرقت از آن، جرم‌های نژادی، سوء مصرف مواد مخدر، مزاحمت و رفتار ضد اجتماعی علیه مردم در مکان‌های همگانی و نیمه‌همگانی، خشونت خانگی، خشونت جنسی (به‌ویژه تعرض زننده و تجاوز جنسی) در مکان‌های همگانی و نیمه‌همگانی برخی از این جرایم هستند (کلکوهن، ۱۳۸۷: ۴۰).

مکان می‌تواند از نظر ایجاد یا تأثیر بر موقعیت جرم، به‌عنوان یکی از شاخص‌های بنیادین در محور تحلیل‌های پیشگیری وضعی از جرم قرار گیرد (ذوالقدر و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸۱). هر نوع تعرض به اشخاص و اموال به نوعی یک رویداد فردی محیطی محسوب می‌شود (گلدشتاین، ۱۳۹۱: ۷۳). جرم و ترس از جرم به‌عنوان عوامل مهم دخیل در انتخاب‌های شهروندان محسوب می‌شوند (اشنایدر و کیچن، ۱۳۸۷: ۱۲). ترس از جرم و جنایت، اثر فوق‌العاده فرساینده‌ای بر تمام افراد و جوامع دارد. ترس، تمام جنبه‌های کیفی جوامع را به صورت منفی شکل می‌دهد. مردم نه تنها به امنیت، بلکه به احساس امنیت نیز نیازمندند (کوردنر، ۱۳۹۰: ۹). یکی از مهم‌ترین پیامدهای ترس از جرم، کاهش میزان حضور اجتماعی افراد و کاهش میل به تعاملات اجتماعی است. این امر سبب می‌شود که امکان نظارت و قلمروپایی و همچنین امکان شنودپذیری و کنترل دسترسی کاهش یابد و این امر، عامل مهمی در کاهش میزان امکان پیشگیری از وقوع جرم است. می‌توان با تمهیداتی در هر سطح، میزان ترس از جرم را با راه‌کارهای خاص هر سطح، بهبود داد به طوری که اگر در سطوح بالاتر میزان بیشتری ترس از جرم وجود دارد، در سطوح پایین‌تر این میزان کاسته شود. ترس از جرم یک ویژگی ذاتی افراد نیست بلکه چیزی است که ممکن است بیاید و برود. ترس از جرم وابسته به تجارب قبلی فرد و تحت تأثیر آن است، به‌ویژه تجربه‌هایی که در ارتباط با موقعیت فرد در جامعه است. (Abdullah&Sakip, 2010: 65)

پیشگیری به‌عنوان یک مفهوم کلی و عام، به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیش و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می‌آید مانند پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از بزه‌کاری جوانان و پیشگیری از تصادفات در جاده‌ها و... .

پیشگیری از جرم، آن‌گونه که موریس کوسن جرم‌شناس کانادایی گفته است: «مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزه‌کاری، کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود» (به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۸). جرم‌شناسی

۱. هتک حرز به قصد سرقت

پیشگیری به عنوان یکی از شاخه های جرم شناسی کاربردی، به معنای مطالعه وسایل و امکانات علمی پیشگیری از بزهکاری، به دنبال تعیین موثرترین شیوه های پیشگیری از بزهکاری است که ممکن است در سطح یک کشور، شهر یا محله به اجرا درآید. (همان: ۲۰) پیشگیری از جرم در مفهوم جرم شناختی آن، به عنوان حوزه مداخله انحصاری دولت تلقی نمی شود، بلکه امری است که تمام بخش های جامعه باید در آن مشارکت داده شوند (مارکوس فلسون، رونالد کلارک، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

پیشگیری از جرم توسط جرم شناسان به دو بخش اصلی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی/ فنی تقسیم می گردد:

پیشگیری اجتماعی به دنبال تعیین عوامل بزهکاری و سازماندهی برنامه هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می کند و منشأ رفتارهای ضد اجتماعی وی می شود (همان: ۵۱). پیشگیری وضعی/ فنی جرم مدعی رهیافتی روشی شناختی است که فارغ از ویژگی های فردی و روان شناختی، به مطالعه پیرامون جرم می پردازد. این شیوه پیشگیری، بدون تلاش جهت تغییر در شخصیت افراد و تنها از رهگذر تغییر در وضعیت و کاهش فرصت جرم، در مقام انصراف مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم یا حمایت از سوژه در معرض تهدید است. (مارکوس فلسون، رونالد کلارک، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

یکی از اقدامات فنی در کاهش خطر بزهکاری یا حمایت از سوژه های در معرض تهدید، استفاده از معماری مطلوب و مناسب در فضاهای ساخته شده و مسکونی است. معماران می توانند فضاهایی ایجاد کنند که مردم را به هم نزدیک یا از هم دور کنند. همچنین می توانند احساس امنیت و راحتی را تقویت کرده، یا این که بر شلوغی و روان پریشی افراد اجتماع بیفزایند (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۴). کشورهای مختلف در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که تغییر اوضاع و احوال محیطی و موقعیت های جرمزا، مؤثر و بلکه ضروری است. پاک سازی محله ها و خیابان های متروکه، تغییر معماری ساختمان ها یا بازسازی و مرتب کردن مکان های عمومی، تأمین روشنایی مناسب و نظارت کافی، از جمله اقداماتی است که موقعیت های جرمزا را کاهش می دهد. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). مطابق آموزه های جرم شناسی وضعی/ فنی، جرم حاصل انتخاب عقلانی بزه کار است؛ انتخابی که با فراهم آمدن یک موقعیت مناسب برگزیده می شود. از این رو مکان نقش چشمگیری در پیدایش موقعیت جرم ایفا می کند و می توان آن را بستر پایدار و دائمی موقعیت جرم محسوب کرد (ذوالقدر و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸۲). مصاحبه های انجام شده با بزه کاران نشان می دهد که این اشخاص، بیشتر از خطرهای بازداشت شدن می ترسند تا از عواقب دستگیری خود. بدیهی است که نگرانی این اشخاص منطقی است چراکه در صورت دستگیری، کار زیادی نمی توانند برای فرار از مجازات انجام دهند اما با

اعمال احتیاط خواهند توانست خطر دستگیری خود را کاهش دهند. به همین خاطر است که پیشگیری وضعی، خطر دستگیری را افزایش داده و تلاش برای مجازات اشخاص را غیر ضروری می‌سازد (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

در پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط فیزیکی به دنبال این مسئله هستیم که از طریق دگرگونی در شرایط، هدف مورد جرم و نیز دور از دسترس قرار دادن آن نسبت به بزه‌کار و افزایش هزینه ارتکاب جرم، وقوع جرم را به حداقل برسانیم (رحمت، ۱۳۹۰: ۸۶). به اعتقاد برخی نویسندگان، ۹۰ درصد از آن چه اقدامات خراب‌کارانه نامیده می‌شود از راه طراحی (معماری) قابل پیشگیری است. (گلدشتاین، ۱۳۹۱: ۷۹) به نقل از (وین مایر، ۱۹۶۹: ۲۸۶). مکان مهم است؛ زیرا هر مکان دارای زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، متفاوتی است و همچنین قوانین حاکم بر مدیریت فضا، تأثیر کنترل‌های غیر رسمی اجتماعی، شرایط اطراف و نحوه چیدمان ساختمان‌های در کنار یکدیگر یکسان نیست (اک، چینی، کامرون، لیتنر، و ویلسون، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

به هر حال اگر چارچوب نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم را به‌عنوان مبنای نظری پژوهش خود بپذیریم (کما این‌که بسیاری پژوهش‌های متقن در سراسر دنیا بر اساس صحت اندیشه مفید بودن ایجاد تغییرات محیطی در راستای کاهش میزان وقوع جرم استوار هستند) فلذا تبعات همه‌جانبه راه‌کارهای طراحی را نیز بایستی مورد بازبینی قرار دهیم. از جمله آن‌ها بحث جابه‌جایی جرم می‌باشد. مطابق نظریه جابه‌جایی بزه‌کاری، با اجرای راهکارهای پیشگیرانه، جرم ممکن است حول پنج محور زیر جابه‌جا شود، این پنج محور عبارت است از: انتقال جرم از محلی به محل دیگر (به لحاظ جغرافیایی)، زمان ارتکاب جرم از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌کند (زمانی)، انتقال سیبل جرم به آماجی دیگر (آماج)، تغییر نحوه ارتکاب جرم (شیوه، ترفند)، ارتکاب جرم دیگری به جای جرم مورد نظر (نوع جرم) (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۸۹). نظریه جابه‌جایی، فرض را بر این می‌گذارد که بزه‌کاران قطعاً مرتکب جرم می‌شوند، حتی اگر هر تدبیر یا راه‌کار پیشگیرانه‌ای، مانع آن‌ها شود (بنابراین فرض ارتکاب جرم قطعی است). این فرضیه مبتنی بر گرایش باطنی بزه‌کار به ارتکاب جرم بوده و این میل را به قدری قوی می‌داند که او را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند، آن هم به همان شیوه‌ای که در ذهن بزه‌کار است. فرضیه دیگر این است که بزه‌کاران حرفه‌ای یا معتادان، برای امرار معاش باید درآمد مکفی از ارتکاب جرم عایدشان شود (ذوالقدر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۰۹). بایستی یادآور شد که نظریه جابه‌جایی جرم همواره به صورت صد درصدی محقق نمی‌شود. یعنی در تحقیقات انجام شده، موارد بسیاری وجود دارد که مثلاً سرقت در مکان وقوع جرم و ... اتفاق نیفتاده است. زمانی که انجام امور پلیسی مسئله‌محور، نرخ سرقت از مجتمع‌های مسکونی جرم‌خیز را در ویرجینیای نیویورک نیوز کاهش داد، این جرم به مجتمع‌های مسکونی مجاور منتقل نشد (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۹۱).



۲. اصول ملحوظ در پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری پژوهش حاضر:

نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی در بردارنده مجموعه‌ای از راهبردها به منظور پیشگیری از جرم است که از یک سو از طریق طراحی و استفاده مؤثر از محیط ساخته شده و از سوی دیگر به واسطه تقویت همبستگی اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا، موقعیت و فرصت‌های جرم و ترس از آن را از بین می‌برد و در ارتقای کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایت‌مندی شهروندان تأثیر به‌سزایی دارد. (جلالی و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۵: ۳۴) بدیهی است که رویکرد پژوهش حاضر بررسی شاخصه‌های قابل کاربرد در طراحی از مفاد تعریف فوق‌الذکر از پیشگیری از وقوع جرم وضعی می‌باشد. بدین منظور اصول ذیل از مجموعه اصول مورد توجه در نظریات وضعی پیشگیری از وقوع جرم مورد توجه قرار گرفتند:

نظارت طبیعی^۱، شنودپذیری^۲، کنترل دسترسی^۳ و قلمروپایی^۴.

نظارت به این معنا که افراد بتوانند ببینند و دیده شوند، از مهم‌ترین اصول در معماری بدون جرم می‌باشد. رویت‌پذیری صرف، نباید مد نظر معماران باشد، بلکه آن‌ها باید به توسعه شرایطی بپردازند که تحت آن، احتمال این که افراد به‌عنوان مراقبین، مداخله و عمل کنند، افزایش یابد (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۴۹). نظارت طبیعی عبارت است از توانایی مشاهده وقایع بدون اتخاذ تدابیر ویژه. نظارت طبیعی را می‌توان با مثلاً، طراحی پنجره‌ها و ایجاد فضای دید مستقیم و باز ایجاد کرد. نظارت طبیعی را با حضور فعال مسئولی خاص در محیط برای کنترل رفتار دیگران نیز می‌توان تأمین کرد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۵). بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود. با داشتن دید مناسب از درون ساختمان‌ها و با نورپردازی‌های بهتر، به شکل مؤثری می‌توان مراقبت‌های طبیعی معابر، خیابان‌ها و حریم اطراف منازل ساختمان‌ها را افزایش داده و میزان جرم را کاهش داد. (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲: ۸۲). نظارت طبیعی شامل کاهش فرصت‌های جرم با سامان‌دهی کالبدی برای به حداکثر رساندن دید است. (Ryan&Pitard, 2010: 2) اثر نظارت به‌عنوان یک مکانیزم کنترل اجتماعی، زمانی افزایش می‌یابد که ناظران یک‌دیگر را بشناسند (استولارد، ۱۳۹۰: ۳۰)

کنترل دسترسی در حقیقت هدایت حرکت افراد و یا جلوگیری از ورود ایشان به فضاها با توجه به مرزها است. (Ryan&Pitard, 2010: 2) کنترل طبیعی ورود عبارت است از قدرت محدود کردن ورود افراد و نیز نحوه ورود آن‌ها به اماکن خاص (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶). البته همیشه آسان

1. Natural Surveillance
2. auditory susceptibility
3. Access Control
4. Territoriality

نیست که در مسیرهای تأسیس شده برای مردم در فضاهای مسکونی محدودیت‌هایی را اعمال کرد (استولارد، ۱۳۹۰: ۶۵). بهبود نظارت و کاهش دسترسی غیرقانونی (یعنی کنترل دسترسی افراد برای امکان رفتن یا نرفتن به یک فضا) احتمال سرقت و غیره را کاهش می‌دهد (کلارک، ۱۳۸۸: ۳۸). بایستی توجه داشت که منظور از کنترل دسترسی، می‌تواند کنترل دسترسی بصری باشد، یعنی کنترل امکان دیده شدن یا نشدن یک فضا. ساختمان‌هایی که معمولاً سراسر دیوارهای آن شیشه‌ای است، دست سارقان را باز می‌گذارد تا بتوانند هر شخص موجود در ساختمان را مشاهده کنند یا هر کالای ارزشمند را برابیند (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

منظور از قلمروپایی، توانایی برقراری اقتدار بر محیط و تعیین شخص مسئول در منطقه و کسانی که مجازند در آن حضور داشته باشند و آن‌هایی که اجازه حضور ندارند، است. (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶). مردم را با احساس مالکیتی که نسبت به اموال و املاک خود دارند، از آن محافظت می‌کنند. قرار دادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشدار، حریم‌های فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت را مشخص می‌کند. لذا با تعیین مالکیت‌های شخصی می‌توان موانعی را بر سر راه مجرمین (متجاوزین) ایجاد نمود (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲: ۸۲). تعریف روشنی از مالکیت فضا با استفاده از موانع نمادین و واقعی. (Cozen&Love, 2015: 2) بسیاری از ساختمان‌های بزرگ، امن نیستند. آسکار نیومن در دهه ۱۹۶۰ اثبات کرد که در آمریکا هر چه ارتفاع برجی بلندتر باشد، به ازای هر صد نفر ساکن در آن، نرخ جرم بالاتر خواهد بود. او اظهار داشت ساختمان‌های بسیار بلند، انگیزه ارتکاب جرم را تقویت می‌کنند، زیرا ساکنان، همسایگان خود را نمی‌شناسند و طرح و ترکیب کلی ساختمان‌ها، امکان اعمال هر نوع نظارتی بر فضاهای عمومی آن نظیر راهروها، آسانسورها و فضاهای بازی را از آن‌ها می‌گیرد (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

شنودپذیری که از اصول منحصر به فرد پژوهش حاضر است در حقیقت برای سنجش میزان قابلیت محیط در استفاده از صداهای کمک‌خواهی و پرهیز از ایجاد شرایط مناسب برای مجرم از لحاظ عدم شنیدن اصوات ناشی از ارتکاب جرم یا استمداد مجرم تأکید دارد. بدیهی است که راه‌کارهای اصل شنودپذیری با راه‌کارهای مکمل دیگر اصول، به‌ویژه اصل رویت‌پذیری و نظارت طبیعی، ثمربخش خواهند بود. اگر قرار باشد برای واکنش به فریاد کمک خواهی یا فریادی بلند، دری بزرگ را باز کرد و وارد بن بست شد، دیگر نظارت طبیعی وجود نخواهد داشت و شاید واکنش در این زمینه اثری خاص نگذارد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۵). تعامل نظارت و شنودپذیری را می‌توان در این جمله دریافت: من بلافاصله محیط اطراف بیرونی را بازرسی می‌کنم، هر زمان که صدای بلند و یا سر و صدای مشکوک بشنوم. (Abdullah&Sakip, 2010: 343) البته واکنش‌هایی نسبت به تلاش برای القای قابلیت شنودپذیری به محیط قابل پیش‌بینی خواهد بود. در حالی که بسیاری از

اعضای یک جامعه، عمیقاً متعهد به از بین بردن جرم عمومی و مایل به مداخله در جهت منافع مشترک در محیط‌های عمومی هستند، نسبت قابل توجهی بر این باورند که آنچه در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد «به آن‌ها ارتباطی ندارد» و یا فقط یک «اختلاف داخلی» است. (DeKeseredy, Shahid, Renzetti & Schwartz, 2005: 29)

۳. پیشینه پژوهش‌های پیرامون پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری:

پژوهش‌های متعددی در مراکز تحقیقاتی مختلف در راستای توسعه دانش در زمینه پیشگیری از وقوع جرم در سراسر جهان انجام شده‌اند. اگر بخواهیم از پژوهش‌هایی که عمدتاً در حوزه تخصصی جرم‌شناسی و درباره تعاریف بنیادین این رشته انجام پذیرفته‌اند، بگذریم، عمر تحقیقات جدید پیرامون روش‌های مکان‌محور در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و جنایت، چندان زیاد نیست و به بیش از پنج دهه نمی‌رسد.

تقریباً از دهه ۱۹۷۰ دیدگاه‌ها و ابزار زیادی برای فهم رابطه مکان و جرم مطرح شده است. نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی^۱ از جمله این دیدگاه‌هاست. (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲) CPTED یک راهبرد عملی برای کاهش فرصت‌ها برای رفتار جنایی و نامطلوب است و بر این ایده استوار است که امکان استفاده از طراحی محیط برای کاهش و یا جلوگیری از بروز جرم و جنایت علیه افراد و اموال وجود دارد. CPTED شاخه‌ای از راه‌یافت‌های مکانیکی در پیشگیری از جرم است که بر این باور است که مجرم ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند. (جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۸) برای هر یک از پژوهش‌های انجام شده -در غالب کتاب‌ها، مقاله‌ها، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها- می‌توان حدود و ثغور و نیز اهداف مشخصی متصور شد تا بتوان آن‌ها را دسته‌بندی کرد و نیز تفاوت میان پژوهش حاضر با آن‌ها را تبیین نمود. مهم‌ترین تفاوت پژوهش حاضر و پژوهش‌های انجام شده در راستای شناخت روش‌های کاهش میزان وقوع جرم در دو نکته خلاصه می‌شود:

۱. آگاهی از رابطه علی میان یک سری اصول مشخص مانند نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، قلمروپایی، شنودپذیری و ... و میزان وقوع جرم (صرف نظر از تلاش برای اثبات این رابطه و پیش‌فرض قرار دادن آن به عنوان یک رابطه معنادار منطقی) و تلاش برای تبیین کیفیت این رابطه و تشریح چگونگی آن در بسترهای مختلف که با توجه به مقیاس فضای سکونتی در سه سطح تعیین می‌شوند. توضیح آن‌که به دلیل محدودیت‌های

1. CPTED

موجود، در مرحله تشریح کیفیت رابطه، تنها برای دستیابی به اولویت‌بندی در رابطه با انتخاب راه‌کارها میان اصول چهارگانه مطروحه پرداخته می‌شود.

۲. عدم توجه به اختلاف تأثیرگذاری راه‌کارهای برآمده از هر یک از اصول مورد نظر در پیشگیری از میزان وقوع جرم از طریق طراحی نسبت به ویژگی‌های بستر (که از بین آن‌ها در این جا تنها به ویژگی‌های مرتبط با مقیاس و سطح سکونت‌ی آن می‌پردازیم و از سایر خصوصیات زمینه‌مند آن صرف نظر می‌کنیم).

در این جا، به طور اجمالی چند پژوهش مرتبط با اهداف مقاله حاضر، با تأکید بر پژوهش‌های داخل کشور ارائه می‌گردد:

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهش‌گر	نوع پژوهش	نتایج و یافته‌ها
۱	ارزیابی پروژه مسکن مهر شهرستان بجنورد از منظر نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی	جلالی و سیدزاده ثانی	مقاله محل نشر: پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان ۱۳۹۵	● بررسی ده اصل از اصول نظریه CPTED (نظارت، تعداد جمعیت، قلمروگرایی، حمایت از فعالیت‌های پشتیبان، مکان‌یابی، کنترل دسترسی، مدیریت و نگه‌داری، سخت کردن دستیابی به اهداف مجرمانه، خوانایی محیط، مقیاس انسانی و کاهش آلودگی صوتی) در قالب ارزیابی نمونه مورد مطالعه
۲	ارزیابی طرح مسکن مهر رشت از منظر پیشگیری محیطی از جرم	مریم قربان پور راسخ و محمد علی بابایی	مقاله محل نشر: پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، ۱۳۹۶	بررسی مسکن مهر رشت در پرتو اصول ده گانه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی
۳	طراحی مجموعه مسکونی در تهران با هدف پیشگیری از وقوع جرم	مریم حیدرزاده ۱۳۹۳	پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان	● تبیین لزوم اعمال سیاست‌های پیش‌گیری از جرم در مجموعه‌های مسکونی به کمک طراحی. ● ارائه رهنمودهای طراحی به منظور ارتقاء امنیت و پیش‌گیری از جرم در مجموعه‌های مسکونی. ● غلبه جنبه حل مسأله از نگاه طراحی بر جنبه نظری تبیین راه‌کارهای طراحی. ● عدم توجه به سطوح مختلف فضای سکونت‌ی.

<p>۴</p>	<p>گونه شناسی مجتمع های مسکونی گامی مؤثر در طراحی با کیفیت مجموعه های مسکونی معاصر</p>	<p>قره بیگلو و خالقی مقدم ۱۳۹۲</p>	<p>مقاله دوفصل نامه دانشگاه هنر</p>	<p>پژوهش فوق اگرچه اساساً در حوزه پیشگیری از وقوع جرم انجام نشده است، لیکن از این جهت مورد اهمیت است که آرایه ای -هرچند به عقیده پژوهش گر این رساله ناقص و قابل تشکیک- از گونه شناسی مجموعه مسکونی داشته است. از جنبه های مورد سؤال پژوهش فوق می توان به تلاش برای ارائه گونه های خاص برای یک شهر، عدم وجود معیاری دقیق برای آرایه گونه های مختلف مجموعه های مسکونی و عدم پابندی نمونه های ارائه شده هر گونه به مبناهای توصیفی آن است. اما به هر روی تلاش در جهت مطالعه و طبقه بندی مجموعه های مسکونی که کم تر به آن پرداخته شده است، بسیار ارزنده است</p>
<p>۵</p>	<p>بهبود اثربخشی در اجرای پروژه های پیشگیری وضعی از جرم</p>	<p>مجید قورچی بیگی جرم ۱۳۹۶</p>	<p>مقاله فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم ۱۳۹۶</p>	<p>تشریح ملزومات یک پروژه پیشگیری وضعی موفق: ● رعایت اصولی مشخص و سیر فرآیندی خاص ● روشن بودن اهداف ● تمرکز بر نوع خاصی از جرم ● توجه به چگونگی ارتکاب جرم، (نه چرایی آن) ● در نظر گرفتن اصول اخلاقی ● حمایت از تمام اقشار جامعه، احترام به حقوق فردی و مشارکت دادن تمام اقشار جامعه و ...</p>
<p>۶</p>	<p>راهنمای عمومی طراحی مسکن و محیط مسکونی</p>	<p>مهندسین مشاور زیستا</p>	<p>کتاب ۱۳۹۰</p>	<p>● آرایه راه کارهای پراکنده (توجه به مسائل موردی) در خصوص پیشگیری وضعی از جرم ● اشاراتی پراکنده و بدون ارائه یک گونه شناسی مشخص و بر مبنای واحد از انواع مسکن ● شمار زیادی دستورالعمل های غیراجرایی کلی و مبهم</p>

مفهوم نوین فضای سکونتی

از حدود سال ۲۰۰۰، ضرورت پرداختن به موضوع زندگی در شهرها در زمینه معماری و برنامه‌ریزی شهری به موضوعی کاملاً بدیهی تبدیل شده است. (گل و اسوار، ۱۳۹۴: ۴) در انتهای قرن بیستم، مفهوم جدیدی برای فضای سکونتی بیان شد که نسبت به قبل کامل‌تر بود، گستره بیشتری را در برمی‌گرفت و فعالیت و کاربری‌های متفاوتی را در خود جای می‌داد. در این مفهوم، عملاً جایگاه ویژه‌ای برای طراحی مسکن ایجاد شد، که از یک سیستم سلسله‌مراتبی که یک طرف آن جهان اشیاء در زندگی خانوادگی (وسایل) و طرف دیگر آن اقامتگاه یا سکونتگاه به معنای کلان آن می‌باشد (مثلاً شهر). در این دوره، معماران زیادی تلاش نمودند مرز طراحی را تا مبلمان و تجهیزات گسترش دهند و در بسیاری از پروژه‌های سال‌های بعد، ارائه خدمات اجتماعی - معیشتی را در داخل یا خارج مسکن مدل‌سازی کردند و عرصه‌های عمومی و خانوادگی را مشخص کردند و نیز در مسائل مسکن به شهرسازی (طراحی شهری) توجه بیشتری معطوف گردید، به طوری که در دهه‌های ۶۰-۷۰ قرن بیستم کلمه مسکن گستره بیشتری را به خود اختصاص داد و مفهوم دقیق‌تری با عنوان «فضای سکونتی» متولد شد (جواهریان و سیدین، ۱۳۹۰: ۳). در قرن بیستم، شمار کثیری از معماران، بر این نظر بودند که طراحی یک شهر، صرفاً بخشی از یک پیوستار طراحی است که در کلیه مقیاس‌ها گسترش می‌یابد: از طراحی یک بنا گرفته تا شهرها در بزرگ‌ترین مقیاس و دستگیره‌های در، در کوچک‌ترین مقیاس (دانستر، ۱۳۸۵: ۱). سطوح مختلف فضای سکونتی عبارت‌اند از: فضا، واحد، ساختمان، مجموعه، محله، منطقه، شهر یا شهرک. (جواهریان و سیدین، ۱۳۹۰: ۳). با محور قرار دادن انسان و مقیاس انسانی، تقسیمات کالبدی شهر از خرد تا کلان جای خویش را می‌یابد (زیاری، ۱۳۸۸: ۳۴).

۴. مجموعه مسکونی: (گروه مسکونی یا کوچه)

این رده کالبد سکونتی ۲۰۰-۹۰ خانوار و با دامنه نوسان شعاع دسترسی ۱۵۰-۱۰۰ متر است که با عنصر شاخص توقفگاه جمعی مشخص و بر پایه چگونگی دسترسی به عنصر شاخص متشکل می‌گردد. هر گروه مسکونی با راسته پیاده مسکونی و شبکه سواره درون‌محله‌ای از کوی‌های مجاور جدا می‌گردد (حبیبی و مسایلی، ۱۳۸۷: ۸). بایستی توجه داشت که سطح سکونتی مورد نظر در پژوهش حاضر، ساختمانی است متشکل از واحدهای مسکونی‌ای که در سه تا شش طبقه قرار گرفته‌اند. این ساختمان‌های مسکونی، در یک مجموعه مسکونی با تراکم متوسط جانمایی شده است.



شکل ۱: نمونه کار دانشجویان طراحی ۵ دانشگاه گیلان با موضوع مجموعه مسکونی.

از منظر پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مجموعه‌های مسکونی به دو گونه باز و بسته تقسیم می‌شوند. در یک مجموعه مسکونی باز، راه کارهای ایجاد امنیت از طریق طراحی معماری، به صورت غیرفعال است و برخلاف مجموعه‌های مسکونی بسته، از کنترل‌های فیزیکی و راه حل‌های فعال برای پیشگیری از وقوع جرم، استفاده نمی‌شود.

۱.۴. گونه‌های کاربردی ساختمان‌ها در مجموعه‌های مسکونی

در این جا به ذکر گونه‌های متداول ساختمان‌های مسکونی قابل استفاده در مجموعه‌های مسکونی با تراکم متوسط، می‌پردازیم. محدوده آشنایی با این گونه‌ها، بررسی نحوه کاربرد و بررسی نتایج راه کارهای هر یک از اصول چهارگانه نظارت طبیعی، قلمروپایی، شنودپذیری و کنترل دسترسی در هر کدام از آن‌ها (گونه‌ها) می‌باشد. در حقیقت به این بحث تا آن جایی پرداخته می‌شود که بتوان اولویت اختصاص راه کارهای هر یک از اصول مورد بحث در پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی در هر یک از گونه‌های ساختمانی را به دست آورد.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گونه‌های زیر را برای یک ساختمان مسکونی با طبقات متوسط که در یک مجموعه مسکونی قرار گرفته است، تعریف کرد:

۱.۱.۴. گونه‌های انشعابی

گونه‌ای از ساختمان مسکونی است که در آن دسترسی به واحدهای مسکونی از طریق یک داکت ارتباطی عمودی (پله و آسانسور) که از طبقه هم‌کف (مجاور معبر) به پاگرد طبقات (که فضایی محدود است) انجام می‌پذیرد. نکته پراهمیت این است که [در حالت عمومی] در گونه انشعابی، در هر انشعاب (پاگرد و پله) بین یک تا چهار واحد قابل جانمایی می‌باشد.

اصول مختلف پیشگیری از وقوع جرم، قابلیت ارائه راه کار در گونه انشعابی ساختمان های مسکونی را دارا می باشند که از جمله آن ها در قسمت نتیجه گیری مقاله، ذکر شده است. بایستی توجه داشت که از نظر شاخصه های اصل قلمروپایی در کاهش میزان وقوع جرم، یک ساختمان مسکونی با گونه انشعابی در بهترین شکل متصوره از نظر انتخاب گونه قرار دارد. یعنی گونه انشعابی برای تحقق اهداف قلمروگرایانه، بهترین انتخاب در میان سایر گونه های ساختمان مسکونی است. این به آن خاطر است که تعداد محدود و مشخصی واحد در هر انشعاب حول یکدیگر قرار گرفته اند که این خود سبب می شود بسیاری از فضاهای اشتراکی، دارای تعداد استفاده کنندگان با تعداد مناسب و محدود باشند. لکن با بررسی ادبیات موضوع، هم از جنبه امکان پذیر بودن طراحی راه کارهای متنوع و هم از نظر میزان تاثیرگذاری آن ها، در حالت کلی، اصول نظارت طبیعی، قلمروپایی و کنترل دسترسی در فضاهای نیمه عمومی طبقات در ساختمان های مسکونی گونه انشعابی [که از مهم ترین قسمت های ساختمان مسکونی به شمار می رود و در صورت محافظت، به شدت می تواند سبب افزایش میزان پیشگیری از وقوع جرم گردد چرا که سایر قسمت های ساختمان مانند طبقات هم کف و زیرزمین غالباً هدف تمهیدات غیرفعال قرار می گیرند] کفایت لازم در کاهش میزان وقوع جرم و بزه را نمی نمایند.

مهم ترین اصل مورد توجه پژوهش حاضر در افزایش میزان پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی در این گونه ساختمانی، شنودپذیری می باشد، چرا که باید توجه داشت که از آن جایی که در گونه انشعابی هرگونه اقدام جهت بازدارندگی از دسترسی بزه کار به طبقات، لاجرم سبب اخلاص در دسترسی ساکنین نیز می شود (راه کارهای ذیل اصل دسترسی مانند کنترل دسترسی احتمالی بزه کار از بام به ساختمان در این جا مورد بحث نمی باشد). هم چنین به جز مواقعی که پلکان طبقات در نمای ساختمان است، در سایر مواقع، سیستم دسترسی عمودی به طبقات و پاگرد، قابلیت نظارت از خارج را ندارند و از تیررس چشمانی که غالباً کار را برای انجام بزه سخت می سازند، خارج هستند و نیز امکان کاربرد راه کارهای قلمروگرایانه بهینه تر نیز در ساختمان های انشعابی با طبقات متوسط (مانند نمونه های مورد مطالعه پژوهش حاضر) چندان وجود ندارد و به علت تعداد کم واحدها در هر ساختمان، محلی از اعراب ندارند (چنان چه پیش از این نیز به آن اشاره شد). توضیح اضافه این که اگرچه راه کارهای اصل قلمروپایی، طبق آن چه در کتب پیشگیری وضعی از وقوع جرم و خصوصاً در تحقیقات اسکار نیومن گفته شده است در حوزه های تلاقی فضاهای عمومی و خصوصی (یعنی فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) مانند مشاعات داخل ساختمان مسکونی، این اصل در گونه انشعابی ساختمان، محلی از اعراب ندارد، چرا که در یک ساختمان مسکونی ایده آل که بر پایه دانش طراحی مسکن شکل گرفته شده است و به ویژگی های بستر علی الخصوص

اقلیم، پاسخ مناسبی داده شده است (مثلاً برای اقلیم نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش حاضر که اقلیم گیلان می‌باشد، نورگیری و تهویه، مهم‌ترین تدابیر طراحی را شامل می‌شود) تعبیه غالباً بیش از دو واحد مسکونی در هر انشعاب، مغایر با اصول صحیح طراحی می‌باشد (چرا که مثلاً در اقلیم گیلان، با کاهش جبهه‌های نورگیری و عدم امکان تهویه مستقیم، بهداشت فضاها مورد خدشه واقع می‌شود). فلذا ساختمان‌های مسکونی موجود در مجموعه‌های مسکونی با تراکم متوسط، نهایتاً ۱۰ الی ۱۲ واحد مسکونی را شامل می‌شوند، حال آن‌که مباحث قلمروگرایانه و راه‌کارهای آن، طبق نظریات اسکار نیومن، برای فضاهایی با مشترکین و استفاده‌کنندگانی بیش از این تعداد، شان حضور می‌یابند. در حقیقت تفکیک فضاها بر حسب تعداد مشترکین برای ایجاد امکان آشنایی میان آن‌ها هنگام استفاده از فضا و ایجاد تعامل اجتماعی منجر به حفاظت از فضا و القای حس مالکانه نسبت به فضا در این گونه ساختمانی، ضرورتی نخواهد داشت.

باتوجه به آن‌چه گفته شد و نیز نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها و همچنین مصاحبه‌هایی که با متخصصین حوزه انتظامی (در راستای تدوین رساله دکترای این‌جانب) و آمارهای به دست آمده مبنی بر تأثیر شنیدن سر و صدای ناشی از بزه توسط افراد، راه‌کارهای اصل شنودپذیری، اعم از کلیه تمهیداتی که بتواند سبب تسهیل در شنیده شدن صداهای ناشی از ارتکاب جرم از واحدی به واحد دیگر و یا در طبقات گردد، توصیه می‌گردد.

۲.۱.۴. کریدوری

گونه‌ای از ساختمان مسکونی که در آن دسترسی ساکنین به واحدهای مسکونی از طریق صعود از داکت ارتباطی عمودی غالباً گوشه‌ای (پلکان و آسانسور) به طبقات صورت می‌گیرد که به یک راهرو یا کریدور در هر طبقه منتهی می‌گردد که دسترسی به واحدها از طریق این راهرو صورت می‌گیرد و در دو طرف این راهرو، واحدهای مسکونی جانمایی شده‌اند. از ویژگی‌های واحدهای مسکونی ساختمان‌های کریدوری این است که اغلب آن‌ها (به جز واحدهای گوشه‌ای، دوبلکس یا فوقانی) تنها امکان نورگیری از یک جبهه را دارا می‌باشند. در حقیقت این واحدها هم‌زمان بر دوسوی ساختمان (حیاط و مجموعه) را دارا نمی‌باشند. عرض (عمق) ساختمان‌های کریدوری نیز از دیگر ویژگی‌های خاص این گونه ساختمانی می‌باشد.

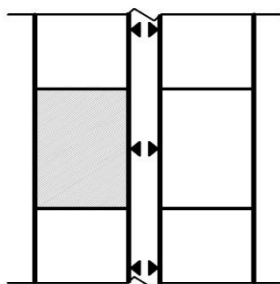
۳.۱.۴. گونه ایوانی

گونه‌ای از ساختمان مسکونی است مشابه گونه کریدوری با این تفاوت که واحدهای مسکونی یک طرف راهروی موجود در طبقات - که دسترسی ساکنین به واحدها از طریق آن صورت می‌گیرد -

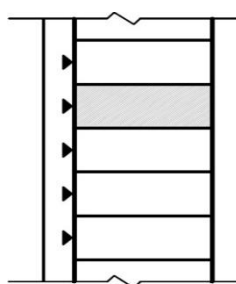
به نفع نورگیری راهرو، حذف شده‌اند. این راهرو می‌تواند باز یا بسته باشد. عرض کم گونه ساختمانی ایوانی، از ویژگی‌های خاص آن می‌باشد.

مزیت گونه ایوانی نسبت به کریدوری، قابلیت نظارت بر راهرو از طریق جبهه شفاف آن از فضاهای خارجی می‌باشد. در صورتی که راهروی مذکور باز باشد، قابلیت شنودپذیری آن فضا نیز، امکان پذیر می‌گردد. لکن به جهت تعدد واحدهای مسکونی موجود در هر دوی این گونه‌ها (که می‌تواند به تعداد زیادی افزایش پیدا کند) در طبقات، نیاز به طراحی راه کارهای ذیل اصل قلمروگرایی، به شدت احساس می‌گردد. چرا که در این گونه‌ها (بالاخص گونه ساختمانی کریدوری)، به دلیل تعداد زیاد واحدها در هر طبقه و در نتیجه افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از فضا، حساسیت ساکنین برای محافظت از فضا در برابر حضور بیگانه، کم‌رنگ می‌گردد. راه کارهایی که منجر به تفکیک مشاعات به ویژه راهروها جهت کاهش تعداد واحدهای منتفع از آن (تا ۱۰ واحد) شود و تمهیداتی که منجر به مرزبندی‌های فیزیکی یا حسی و بصری (از طریق کاربرد نشانه‌ها) گردد. مثلاً جانمایی داکت عمودی در وسط به گونه‌ای که راهرو را به دو راهروی با طول کمتر تقسیم نماید، افزایش تعداد باکس‌ها پله و یا راه کارهایی ازین دست. بایستی توجه داشت که در این جا نیز گاهی راه کارهای ذیل اصل قلمروگرایی، برای تحقق اهداف قلمروگرایی، از ویژگی‌های راه کارهای کنترل دسترسی بهره می‌برند. مانند قطع ارتباط راهروها با تعبیه در جداکننده.

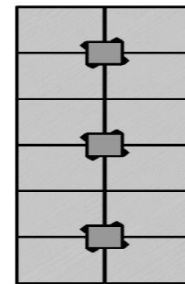
دانش طراحی بایستی در کلیه وضعیت‌ها به همراه ارایه راه کارهای مرتبط در راستای کاهش پیشگیری از وقوع جرم، جوانب مختلف دیگر را نیز مانند آتش‌نشانی، تهویه، سرانه‌ها و ... مد نظر قرار دهد لکن در پژوهش حاضر تنها به متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر میزان وقوع جرم در راستای کاهش آن از طریق طراحی می‌پردازد.



شکل IV - فرم کلی گونه کریدوری



شکل IV - فرم کلی گونه ایوانی



شکل IV - فرم کلی گونه انشعابی

۵. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو، از نوع تحلیلی-توصیفی است که در مرحله اول به یافتن زمینه‌های تأثیرگذاری بر پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری و انتخاب اصول مرتبط با آن پرداخته شد و در مراحل بعدی، تبیین ارتباط معنادار میان این اصول و میزان پیشگیری از وقوع جرم انجام شد. در نوشتار حاضر، از منابع کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری در مرحله جمع‌آوری اطلاعات پیرامون نظریات ارائه شده درباره پیشگیری‌های مکان‌محور متناسب با سطح هدف پژوهش (ساختمان) بهره‌گیری شده است. برای تکمیل حوزه نظری مطالعات پژوهش حاضر و برای بررسی علل نارسایی‌ها و چگونگی تأثیر راه‌کارهای طراحانه، اقدام به تنظیم و توزیع پرسش‌نامه‌ای هدفمند در میان ساکنین مجموعه‌های مسکونی «مسکن مهر رشت» و «مسکن بسیجیان تالش» و «مسکن ارکید گلسار رشت» شد. استفاده از مطالعات میدانی و ابزار پرسش‌نامه که برای امکان تطبیق و قیاس میان سه مکان مورد مطالعه با وضعیت مختلف از نظر میزان وقوع جرم در هر یک از آن‌ها می‌باشد. در توجیه تعدد نمونه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر، لیندا گروت در کتاب خود تحت‌عنوان روش‌های تحقیق در معماری می‌نویسد: در مواردی، پژوهش‌گر ممکن است پرسش نظری‌ای را تنظیم کند که محدوده کوچک‌تری داشته باشد و در آن عوامل مهم از موردی به مورد دیگر متفاوت باشد، در چنین شرایطی، پژوهش «چندموردی» می‌تواند ارجح باشد (گروت و وانگ، ۱۳۹۱).

در انتها با تحلیل نتایج حاصل از مطالعات نظری و میدانی به دست آمده که بر پایه پیدا کردن مصداق‌ها و نیز روش‌های تحلیل آماری استوار بود، کاربرد یافته‌های پژوهش استخراج می‌گردد و به تبع آن راه‌کارهایی متناسب با سطح ساختمان ارائه می‌گردد. هرچند تأکید این نوشتار، بر لزوم نگاه عمیق به سطوح مختلف فضای سکونتی و گونه‌های مختلف آن، جهت ارائه راه‌کارهای تخصصی و مرتبط و دقیق می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اولویت کاربرد هر یک از اصول نظارت طبیعی، قلمروپایی، کنترل دسترسی و شنودپذیری در ارایه راه‌کارها، باتوجه به سطح سکونتی ساختمان و بالاخص گونه منتسب آن، متفاوت است.

۶. طراحی و توزیع پرسش‌نامه

اولین تصمیم‌گیری‌ها در هر پرسش‌نامه‌ای، درباره تعداد و ترکیب نمونه موردی است. باید درباره این که چه تعداد از هر گروه به شما نمونه‌ای از دیدگاه‌ها را به دست خواهد داد، تصمیم‌گیری شود (چری، ۱۳۸۸: ۱۱۸). جامعه آماری پیمایش فوق، شامل کلیه ساکنین مجموعه‌های مسکونی شهر رشت و در مرحله بعدی شهر تالش در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که در تعریف مجموعه مسکونی، آن را می‌توان با مقیاس تقسیم "کوچه" در شهرهای امروزی ما در نظر گرفت، طبق

جدول مورگان به حجم نمونه کلی مورد نظر دست یافته شد. به این صورت که از میان کلیه مجموعه‌های مسکونی رشت و تالش، این سه مجموعه به صورت هدفمند انتخاب شدند و سپس در مرحله بعدی و پس از انجام دوره‌های مشاهده و عکس‌برداری و بررسی‌های رفتارشناسانه و محیط‌گرایانه، به صورت تصادفی و البته با عنایت به اصل «در دسترس بودن و مقدور بودن»، حدود هزار پرسش‌نامه توزیع شد که ۲۵۹ عدد از آن‌ها جمع‌آوری و قابل استفاده در پژوهش بودند. در هریک از سه مکان مورد نظر، تقریباً پس از بررسی نیمی از پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، بروز وضعیت اشباع نظری و مشابهت پاسخ‌ها مشاهده شد. تقریباً یک سوم پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، در حضور پرسشگر آموزش‌دیده و با ارائه توضیحات، پاسخ داده شده‌اند. برای سنجش اعتبار پایایی و روایی، پرسش‌نامه به سمع و نظر متخصصین موضوع و روش پژوهش رسید و پس از اعلام نظر و تصحیح، مورد تأیید ایشان قرار گرفت. هم‌چنین پس از انجام پیش‌آزمون و رفع مشکلات جزئی، آلفای کرونباخ آزمون انجام شده برای سؤالات که اغلبشان را طیف لیکرت تشکیل می‌دادند، بیش از ۰.۸ ارزیابی شد که مورد قبول می‌باشد.

این پرسش‌نامه محقق ساخته، دارای ۷۶ سؤال می‌باشد که تلاش دارد فرضیه‌های دوم و سوم و چهارم رساله دکترای پژوهشگر تحت عنوان «دسته‌بندی راه‌کارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز با توجه به سطوح مختلف فضای سکونتی (واحد، ساختمان و مجموعه)» را تعقیب کند. بر این اساس تحلیل سؤالات ۱۲ تا ۲۴ و نیز سؤالات ۵۲ تا ۷۰، مبین متغیرهای مستقل پژوهش و مربوط به فرضیه سوم رساله مذکور تحت عنوان: «به نظر می‌رسد عواملی همچون میزان رویت پذیری و قابلیت نظارت، میزان تفکیک قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی، میزان دسترسی و نفوذپذیری و میزان شنودپذیری، بر پیش‌گیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی در سطح ساختمان، موثرند.» می‌باشند که در مقاله حاضر بررسی و راه‌کارهای آن ارائه می‌شود. متغیر وابسته پژوهش، میزان وقوع جرم می‌باشد که در این‌جا در سطح ساختمان مسکونی بررسی می‌شود و در سؤال ۵۷ سنجش شده است.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل پاسخ‌های داده شده به پرسش‌های مندرج در پرسش‌نامه، بعد از تحلیل‌های آماری مورد نیاز که توسط نرم‌افزار SPSS انجام گرفت و فراوانی‌های معتبر به همراه جداول و نتایج دقیق استخراج گشت، دو رویه مشخص اتخاذ شد. رویه اول امکان مقایسه درون‌گروهی است. یعنی میزان وجود یک پدیده با کیفیات مورد نظر که حاصل پاسخ‌دهی به یکی از پرسش‌ها می‌باشد، به‌عنوان متغیر مستقل، به چه میزان بر وقوع جرم به‌عنوان متغیر وابسته تأثیرگذار است. رویه دوم، امکان

مقایسه گویه‌ها میان سه مکان مختلف می‌باشد که سبب بررسی میزان تأثیر و چگونگی کارکرد راه‌کارهای به کار رفته می‌باشد. لازم به ذکر است که درصدهای بیان شده، از نوع معتبر و با کسر پاسخ‌های گمشده (اشتباه و خالی) می‌باشند.

به این ترتیب مشخص شد که حدود ۷۷ درصد (تراکمی از گزینه زیاد و بسیار زیاد) از پاسخ‌دهندگان ساکن مسکن بسیجیان تالش، دچار ترس از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی خود می‌باشند. این در حالی است که این میزان در مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب عبارت است از ۳۳ درصد و ۱۸،۴ درصد. میزان ترس از وقوع جرم در پارکینگ‌های ساختمان‌های مسکونی در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب عبارت است از: ۶۲،۵ درصد، ۳۶،۶ درصد و ۱۳،۲ درصد. وفور این میزان نگرانی در مسکن بسیجیان تالش، حتی منجر به استفاده از راهکارهای فعال (با توجه به سطح درآمد پایین در این مکان به طوری که ۵۵،۶ درصد واحدها دارای درآمد کمتر از یک میلیون تومان در ماه می‌باشند) در محافظت از پارکینگ مانند نصب دوربین‌های مداربسته که روی ماشین هر شخص هدف‌گیری شده، گردیده است.

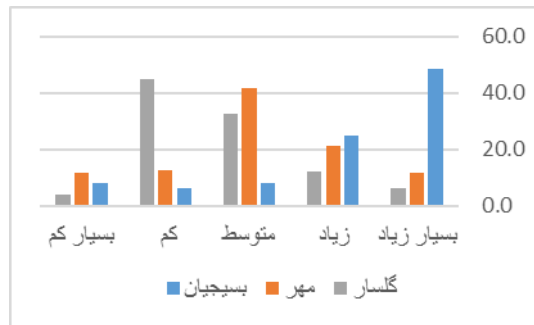
نگرانی از وقوع جرم در یک فضای مشاع مانند پارکینگ، با توجه به ماهیت نیمه‌عمومی فضا، مشخص می‌سازد که فضا نیازمند راه‌کارهای قلمروگرایانه جهت تقویت مراقبت ساکنین می‌باشد. بر این اساس تقسیم‌بندی فضاهای مشاع از طریق شماره‌گذاری و یا تفکیک راه‌های دسترسی که می‌تواند به کاهش تعداد استفاده‌کنندگان از فضاها و تفکیک یک فضا بر حسب استفاده‌کنندگان آن، می‌تواند راه‌گشا باشد. در ورودی ساختمان که غالباً به صورت دروازه [های] ورودی برای سواره و پیاده به همراه دیوارهایی طراحی می‌شوند، رتبه دوم را در میزان نگرانی ساکنین از وقوع جرم به خود اختصاص می‌دهند. ۱۲،۵ درصد، ۱۷،۸ درصد و ۳۱،۶ درصد آمار مربوط به میزان نگرانی ساکنین نسبت به وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی به ترتیب در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت در قسمت در ورودی می‌باشد. برای حفاظت از این قسمت، غالباً راهکارهای فعال به کار برده می‌شود مانند سخت کردن آماج جرم از طریق کاربرد متریال مستحکم و همچنین طراحی سردر به نحوی که مانع تسهیل در ورود بی‌اجازه به ساختمان شود (مثل ایجاد حالت‌هایی که منجر به سهولت در صعود از آن می‌گردد) می‌تواند ثمر بخش باشد. لکن راه‌کارهای اصل قلمروپایی به میانجی ایجاد حس تشخیص ساختمان از طریق طراحی سردر به گونه‌ای که با ورودی سایر ساختمان‌های مجاور، متفاوت و قابل تشخیص باشد و نیز قابلیت نظارت طبیعی بر ورودی ساختمان از طریق واشوهای واحدهای مسکونی ساختمان، عامل بسیار مهمی در کاهش میزان وقوع جرم از طریق نفوذ از در ورودی ساختمان می‌باشد. حیاط

پشتی ساختمان، دیوار محوطه و راه پله نیز از دیگر محمل‌های نگرانی ساکنین از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی به حساب می‌آیند که همگی ذیل راه کارهای اصل نظارت طبیعی قرار می‌گیرند. در حقیقت با افزایش امکان نظارت طبیعی از طریق ایجاد بازسوها و افزایش استفاده از آن‌ها (با طراحی مناسب آن‌ها و بهبود کارکرد آن‌ها در رفع نیازهای متنوع‌تر) می‌توان منجر به کاهش میزان وقوع جرم در این قسمت‌ها شد. در ادامه به برخی از این امکانات پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است که از میان تنوع جرم‌هایی که مورد اشاره ساکنین بوده است، سرقت پرشمارترین بزه متصوره بوده است. به این ترتیب که در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت ۴۲،۱ درصد، ۵۶،۶ درصد و ۶۵،۹ درصد ساکنین، سرقت و دزدی را به عنوان بزه‌ی که نگران وقوع آن در سطح ساختمان مسکونی خود هستند و احتمال وقوع آن از سایر جرم‌ها بیشتر است، معرفی نموده‌اند. دلیل قلت میزان اشاره به نگرانی از سرقت توسط ساکنین مسکن بسیجیان تالش به نسبت دو مکان دیگر، انحراف بستری موضوع در حوزه بزه‌های درون ساختمانی است. به این ترتیب که در مسکن بسیجیان تالش، نارضایتی بسیاری نسبت به بزه کار بودن همسایه‌ها و وقع جرم از سوی آن‌ها وجود داشت. بزه‌هایی مانند استعمال مواد مخدر، درگیری و ضرب و شتم، آزار و اذیت و ... که غالباً در فضاهای مشاع ساختمان مسکونی اتفاق می‌افتاد، نگرانی بیشتری از سرقت را که معمولاً از سوی فردی خارج از یک محل (طبق مطالعات نظری) روی می‌دهد، به خود اختصاص داده است. در ارتباط با محافظت از دیوار حیاط ساختمان مسکونی، راه کارهای اصل کنترل دسترسی نیز گاهی بایستی مد نظر قرار گیرد. وجود عناصری مانند درختان، تیرهای برق، لوله‌های گاز و ... جنب دیوارها و حصارها، سبب امکان نفوذ بزه کار به داخل حیاط یا صعود از نما می‌گردد (نکته‌ای که هم در مصاحبه‌های انجام شده با متخصصین پلیسی به آن اشاره شد و هم از سوی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها مورد اشاره قرار می‌گرفت و هم در مشاهده‌های میدانی، مصادیق آن ثبت گردید).

در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب ۳۷،۷ درصد، ۱۳،۹ درصد و ۴۴،۹ درصد ورودی ساختمان‌ها از طریق واشوهای نما (واحد‌ها) قابلیت نظارت و دیده شدن را دارند. کمترین این میزان متعلق به مسکن مهر است. چرا که اساساً در مسکن مهر به دلیل این‌که ساختمان‌ها فاقد حیاط نیمه‌عمومی و حصار و در ورودی می‌باشند، طبیعتاً امکان نظارت بر ورودی ساختمان که در حقیقت ورودی پلکان منتهی به طبقات است، بسیار کاهش می‌یابد (مگر در مواقعی که ساختمان دارای پاسیو به گونه‌ای است که امکان نظارت ورودی راه پله از هم کف از طریق واشوهای نورگیر امکان‌پذیر باشد). به هر حال کم بودن میزان امکان نظارت طبیعی بر ورودی ساختمان‌ها در نمونه‌های نامناسب و حتی مناسب، که می‌تواند

ناشی از علل مختلفی از جمله تعداد واحدهای هر طبقه که بر امکان نورگیری و تعبیه واشو در جهات مختلف واحد (ساختمان) تاثیرگذار است، باشد، سبب میزان بالای ترس از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی در مخصوصاً در مسکن بسیجیان تالش می‌باشد.



نمودار ۱- شما و اعضای خانواده‌تان، به چه میزان نگران وقوع جرم (سرقت، ورود بی‌اجازه، آدم‌ربایی، درگیری و ضرب و شتم، آزار و اذیت، قتل و ...) در ساختمان مسکونی (ورودی، پارکینگ‌ها، حیاط، پارکرها، پیلوتی، لابی، اتاق انتظار، فضاهای خدماتی و ...) خود هستید؟

یکی از چالش‌برانگیزترین فضاهای ساختمان‌های مسکونی که در برخی از کشورها آمار وقوع برخی بزه‌ها در آن‌ها بسیار زیاد است، پلکان و آسانسور می‌باشد. تعبیه پلکان در نمای ساختمان به گونه‌ای که دارای جداره‌ای شفاف باشد و امکان نظارت طبیعی از خارج ساختمان را (از مجموعه و یا از حیاط) فراهم نماید -ذیل اصل نظارت طبیعی و امکان رویت‌پذیری - می‌تواند در کاهش میزان وقوع جرم مؤثر باشد. به‌ویژه در ساختمان‌های با تراکم متوسط که میزان استفاده از پله برای دسترسی به طبقات، کم نیست، عنایت به حفاظت از پله به عنوان محل وقوع جرم، از اهمیت بالایی برخوردار است. استفاده از آسانسورهای شیشه‌ای نیز راه‌کار دیگری است که در این رابطه ارائه می‌گردد. نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها حاکی از آن است که در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب ۹،۸ درصد، ۱۱،۱ درصد و ۸،۲ درصد ساختمان‌ها دارای پلکان دسترسی طبقات که در نمای ساختمان‌شان جانمایی شده است، بودند. در حقیقت اکثر نمونه‌های مورد بررسی، از این مزیت بی‌بهره هستند.

در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب ۳۵،۵ درصد، ۳۹،۳ درصد و ۵۱ درصد میزان محافظت ساکنین هر واحد از پارکد طبقه خود (نظافت، نظم، کنترل عبور و مرور، کنجکاوی، توجه به وارد مشکوک و ...) می‌باشد. کاهش معنادار این درصدها به سمت نمونه‌های نامناسب پژوهش، نشانه تاثیرگذار بودن شاخصه‌های اصل قلمروپایی و کنترل تعداد استفاده‌کنندگان از یک فضا دارد و نزدیک بودن دو گزینه اول یعنی مسکن بسیجیان

تالش و مسکن مهر رشت، و حتی عدم وجود تفاوت فاحش با مسکن ارکید گلسار، مبین تأثیر عوامل مهم دیگری همچون اصول نظارت طبیعی و شنودپذیری به عنوان شاخصه‌های پراهمیت‌تر می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، وضعیت‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های مختص خود، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های متنوع‌تری در ارزیابی راه‌کارها از اصول مختلف دارد. به این ترتیب که با وجود سه تیپ مختلف پلان (مسکن بسیجیان تالش با پلان انشعابی: در هر طبقه اغلب دو واحد، مسکن مهر رشت با پلان انشعابی: در هر طبقه غالباً چهار واحد، مسکن ارکید گلسار رشت با پلان انشعابی: غالباً یک تا دو واحد) آمار حاصل از بررسی میزان موفقیت اقدامات قلمروگرایانه، در بازه نزدیکی نسبت به هم قرار دارند و این به آن خاطر است که به دلیل محدودیت تعداد واحدها در هر طبقه -طبق آن چه پیش از این اشاره شد- راه‌کارهای منتج به قلمروپایی و حس تعلق جهت محافظت از فضا، به جهت کم بودن تعداد استفاده‌کنندگان، به صورت پیش‌فرض در حد مناسبی رعایت شده‌اند و در حقیقت سلسله اقدامات برای بهبود وضعیت فضاها از طریق راه‌کارهای قلمروگرایانه و مرزبندی، نتایج بهینه‌تری را به دنبال نخواهد داشت.

بیشترین فراوانی تعداد واحد در هر طبقه در مسکن بسیجیان تالش ۶۱٫۹ درصد دو واحد، مسکن مهر رشت ۵۴٫۵ درصد چهار واحد و مسکن ارکید گلسار رشت ۴۲٫۸ درصد دو واحد می‌باشد. لازم به ذکر است که در مسکن مهر رشت به دلیل استفاده از پاگردهای غیرضروری وسیع در طبقات، گاهی در بعضی ساختمان‌ها از این پاگرد برای افزایش تعداد واحدها در هر طبقه استفاده شده است. به طوری که در مسکن مهر رشت، حدود ۲۰ درصد فراوانی ساختمان‌هایی است که بیش از چهار واحد در هر طبقه دارند. نکته قابل توجه دیگر، وجود فراوانی ۱۸٫۸ درصد طبقات تک‌واحد در مسکن ارکید گلسار رشت است که میزان بالای رفتارهای قلمروگرایانه ساکنین آن را توجیه می‌کند.

دیگر رفتارهای شاخص قلمروپایی مانند محافظت از پارکینگ به ترتیب در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت عبارت است از: ۴۶٫۸ درصد، ۳۵٫۲ درصد و ۵۱ درصد که این فراوانی‌ها برای محافظت از حیاط در ترتیب فوق عبارت است از: ۳۹٫۳ درصد، ۲۴٫۱ درصد و ۵۱ درصد. به جز فراوانی کمتر در مسکن مهر در میزان محافظت از حیاط و پارکینگ (به دلیل عدم محصور بودن هم‌کف که به عنوان پارکینگ پیلوتی مورد استفاده است و نیز عدم وجود حیاط)، سایر فراوانی‌ها نتایج پیشین را تأیید می‌کنند. میزان استفاده از حیاط در مسکن بسیجیان تالش و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب برابر است با: ۱۳٫۱ درصد و ۴۰٫۸ درصد. میزان کم استفاده از حیاط در نمونه‌های مورد مطالعه به صورت کلی و میزان بسیار کم آن در مسکن بسیجیان تالش، ناشی از نقصان‌هایی است که برطرف نمودن آن‌ها مستلزم راه‌کارهای ذیل

اصول چهارگانه می‌باشد که در قسمت نتیجه‌گیری لیست شده‌اند. کوچک بودن حیاط (خصوصاً در مسکن بسیجیان تالش)، عدم وجود امکانات برای مقاصد مختلف مانند بازی کودکان، فضای سبز و ... از مشکلات اساسی و مانع استفاده مداوم از حیاط ساختمان است که در صورت تحقق آن، امکان نظارت طبیعی افزایش می‌یابد. به طوری که ۷۷,۱ درصد از ساکنین مسکن ارکید گلسار گفته‌اند که در صورت وجود آن امکانات، استفاده مداوم آن‌ها از حیاط، افزایش خواهد یافت.

اهمیت راه‌کارهای ذیل اصل شنودپذیری در پاسخ‌گویی ساکنین سه مکان مورد مطالعه در بررسی فراوانی سؤال زیر مشخص می‌گردد. در مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب ۶۸,۹ درصد، ۵۶,۶ درصد و ۶۵,۳ درصد از پاسخ‌گویان، بر این نظر هستند که در صورت شنیدن صدای مشکوک، وادار به پیگیری موضوع می‌شوند. این اصل و راه‌کارهای آن و حساسیت ساکنین نسبت به صداها، زمانی پراهمیت‌تر به نظر می‌رسد که راه‌کارهای قلمروگرایانه رنگ باخته و امکان نظارت طبیعی نیز وجود ندارد.

میزان تشخیص سردر ورودی ساختمان‌ها، -که از راه‌کارهای قلمروگرایانه هم در سطح ساختمان و هم در سطح مجموعه می‌تواند عمل کند- در سه مکان مورد مطالعه مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب برابر است با ۳۰,۲ درصد، ۲۷,۴ درصد و ۵۱,۱ درصد. فراوانی نزدیک به هم در دو نمونه مورد مطالعه اول، ناشی از یک‌دست بودن حصارها و دروازه‌ای صرف بودن ورودی‌های ساختمان‌های مسکونی در مسکن بسیجیان تالش و نیز عدم وجود سردر مشخص در ساختمان‌های مسکن مهر رشت می‌باشد. حال آن‌که در مسکن ارکید گلسار، هر ساختمان، کم و بیش دارای سردر منحصر به فردی می‌باشد.

میزان وقوع جرم به‌عنوان متغیر وابسته در ساختمان‌های مسکونی در سه مکان مورد مطالعه مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت به ترتیب برابر است با ۶۵,۶ درصد، ۴۰,۱ درصد و ۳۶,۷ درصد که در هر سه مکان، سرقت پرشمارترین بزه اتفاق افتاده می‌باشد.



نمودار ۱- آیا تاکنون ساختمان مسکونی شما (ورودی، حیاط، پارکینگ‌ها، پاگردها، پیلوتی، لابی، اتاق انتظار، فضاهای خدماتی و ...) مورد جرم و بزه‌ای خاص (سرقت، ورود بی‌اجازه، آدم ربایی، درگیری و ضرب و شتم، آزار و اذیت، قتل و ...) قرار گرفته است؟

نتیجه‌گیری

پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی در سطح ساختمان مسکونی، نیازمند ارائه راه‌کارهای آگاهانه با عنایت به اصول مورد کاربرد جهت نیل به اهداف مورد نظر است. با توجه به گونه‌های متصوره برای طراحی ساختمان‌های مسکونی که معیار انتخابشان سیستم دسترسی می‌باشد، برای هر یک از گونه‌های سه‌گانه انشعایی و کریدوری و ایوانی، طبق پژوهش‌های نظری انجام شده از طریق مطالعه ادبیات موضوع و نیز پژوهش میدانی انجام شده در نمونه‌های مورد مطالعه از طریق ابزار پرسش‌نامه، به ترتیب اولویت با راه‌کارهای اصول شنودپذیری، قلمروپایی و نظارت طبیعی می‌باشد. البته گذار راه‌کارها از اصلی به اصل دیگر، امری است که طراح برای تکمیل اهداف اصلی خود، یعنی افزایش میزان پیشگیری از وقوع جرم و کاهش ترس از وقوع آن در میان ساکنین، ناگزیر از استفاده آن است. بایستی توجه داشت که اصل قلمروپایی که راه‌کارهای منتج به موفقیت تحقق آن، غالباً تأثیر بسزایی بر افزایش میزان موفقیت پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی می‌گردد، از آن جایی که هم از نظر فیزیکی و هم از نظر القای حس مالکیت، حفاظت از فضا را توسط استفاده‌کنندگان آن فضا سبب می‌شود، در قسمت‌هایی که بحث قلمروهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی به میان می‌آید، راه‌کارهای بسیار قدرتمندی ارائه می‌دهد که حتی گاه به تحقق اهداف اصول دیگر نیز می‌انجامد (مثلاً آن‌جا که راه‌کارهای قلمروگرایانه به تعیین صریح قلمرو از طریق کشیدن دیوار منجر می‌شوند و در نتیجه دسترسی فیزیکی و یا حتی بصری نیز به فضای مورد نظر مسدود می‌شود).

به‌طور کلی، تعدد واحدهای مسکونی که سبب افزایش تعداد واشوها در جداره‌های نمای ساختمان می‌شود، به شرطی که از حد مورد نظر اصل قلمروپایی تجاوز نکند، می‌تواند موجب

افزایش میزان نظارت طبیعی بر فضاهای نیمه عمومی ساختمان مانند حیاط گردد که این عامل سبب افزایش میزان پیشگیری از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی می‌گردد. بایستی توجه داشت که این افزایش تعداد واحد، اگر بیشتر از حد مجاز مطروحه در مباحث قلمروپایی انجام گیرد، سبب افت شاخصه‌های قلمروگرایانه و تأثیر منفی بر میزان پیشگیری از وقوع جرم می‌گردد. در این جا پاره‌ای از راه کارهای متناسب با سطح ساختمان مسکونی با توجه به اصول مورد نظر، ارائه می‌گردد. لازم به تذکر است که آگاهی از ویژگی‌های هر راه کار با توجه به سطح تاثیرگذاری و تعلق به یک اصل از اصول پیشگیری وضعی از وقوع جرم، هدف اصلی ارایه این راه کارها می‌باشد. در حقیقت با شناخت نسبت به این دو نکته، در هر زمان و مکان، می‌توان با توجه به ویژگی‌های مسأله و شاخصه‌های بستر، اقدام به خلق، تغییر یا جرح و تعدیل راه کارها با آگاهی از نحوه اثربخشی آن‌ها نمود.

- هر ساختمان مسکونی، دارای یک ورودی مجزا نسبت به سایر ساختمان‌های مجاور خود داشته باشد. (پرهیز از انتخاب گونه‌هایی از ساختمان مسکونی که دارای فضاهای اشتراکی مانند ورودی یا حیاط مشترک می‌باشند). (قلمروپایی)
- در کلیه گونه‌های مسکونی، بایستی توجه داشت که کاهش تعداد واحدها در هر طبقه و نیز کاهش تعداد طبقات، به علت آن که سبب کاهش تعداد استفاده کنندگان از فضاهای اشتراکی می‌گردد، سبب تقویت حس قلمروپایی می‌گردد. (قلمروپایی)
- عدم تعبیه در ورودی دوم از جبهه‌های دیگر ساختمان حتی در صورت وجود دسترسی‌های مناسب شهری، مگر در مواردی که هدف تقسیم استفاده کنندگان برای استفاده از ورودی‌ها مدنظر است. (کنترل دسترسی)
- عدم ایجاد حالت‌های میان‌بر به گونه‌ای که سبب کاهش استفاده از مسیر اصلی پیش‌بینی شده در طراحی گردد. (کنترل دسترسی)
- قرار دادن تسهیلات انباشت زباله و جمع‌آوری زباله در قسمتی امن و رویت‌پذیر در ساختمان که قابل نظارت از بازشوهای واحدها می‌باشند.
- استفاده از درهای بسته‌شونده برای تفکیک فضایی راهروها و اختصاص آن به تعداد کمتری از ساکنین در ساختمان‌های کریدوری و ایوانی. (قلمروپایی)
- استفاده از گونه ساختمانی ایوانی از نوع باز آن چرا که هم امکان افزایش نظارت راهرو از فضای خارج را دارا می‌باشد و هم در صورت وقوع اتفاق، سر و صدای آن در فضای بیرون قابل شنیدن است. (شنودپذیری و نظارت طبیعی)
- افزایش تعداد دسترسی‌های عمودی (باکس پله و آسانسور) در ساختمان‌های کریدوری و

- ایوانی که سبب کاهش تعداد استفاده‌کنندگان از هر یک از آن‌ها می‌گردد. (قلمروپایی)
- جانمایی دسترسی‌های عمودی در ساختمان‌های کریدوری و انشعابی، طوری که سبب کاهش تعداد استفاده‌کنندگان از راهروها می‌گردد. (قلمروپایی)
- جداسازی فضاهای مختلف طبقه همکف (پیلوت و حیاط پشتی یا پیلوت و حیاط) در ساختمان‌هایی که ابتدا به بنا وارد می‌شویم، با جداره‌های شیشه‌ای. (کنترل دسترسی)
- توجه به ضوابط یکسان و رعایت دقیق آن در میزان جلوآمدگی‌ها در طبقات به گونه‌ای که سبب مسدود شدن دید و مزاحمت برای امکان نظارت طبیعی بر فضاهای همسایگی نگردد. (نظارت طبیعی)

پرهیز از جانمایی سایبان‌ها، ناودانی‌ها، درختان، تسهیلات انباشت زباله، لوله‌های گاز و آب، تیرهای برق و ... (شکل VIII) در حیاط ساختمان مسکونی به گونه‌ای که سبب سهولت در صعود از نما و دسترسی به پنجره‌ها و بالکن‌های طبقات شود. (کنترل دسترسی)



شکل V: مسکن بسیجیان تالش

- پنجره‌های خدمات‌دهنده کوچک - مانند پنجره‌های سرویس‌های بهداشتی، حمام، انباری و ... - که معمولاً دارای ارتفاع کف پنجره (OKB) زیادی هستند و امکان نظارت طبیعی را فراهم نمی‌کنند، حتی‌المقدور نبایستی در نمای اصلی ساختمان مسکونی قرار گیرند، چرا که مانع جانمایی فضاهایی در این جبهه می‌شوند که می‌توانند قابلیت نظارت فضاهای اشتراکی ساختمان را از طریق دارا بودن پنجره‌های مطلوب داشته باشند. (نظارت طبیعی)
- پرهیز از طراحی نماها و سردرهایی که پیش‌آمدگی‌ها و عقب‌رفتگی‌ها و خلل و فرج آن، سبب تسهیل در صعود و نفوذ به ساختمان از طریق ایجاد حالت نردبان‌گونه (پیش‌آمدگی‌های افقی در ارتفاع‌های مختلف) می‌گردد. (کنترل دسترسی)
- عدم طراحی بالکن در طبقات اول و دوم بدون تمهیدات پیشگیرانه جهت کنترل دسترسی در نمای اصلی (جبهه مجاور معبر). (کنترل دسترسی)
- جانمایی دسترسی‌های عمودی خصوصاً ساختمان‌های انشعابی، در نمای اصلی (شکل



IX) که سبب افزایش امکان نظارت طبیعی از فضای بیرون می گردد. (نظارت طبیعی)



شکل: نمونه کار دانشجویان طراحی ۵ دانشگاه گیلان با موضوع مجموعه مسکونی

- ترجیح گونه انشعابی به سایر گونه‌ها به دلیل دارا بودن خصوصیات ذاتی منطبق با اهداف قلمروگرایانه خصوصاً در ساختمان‌های با طبقه متوسط. (قلمروپایی)
- عدم طراحی فرورفتگی و بیرون زدگی در راهروهای ساختمان‌های کریدوری یا ایوانی. (نظارت طبیعی)
- عدم وجود دسترسی یا امکان نفوذ در گونه‌های ساختمانی کریدوری و ایوانی از راهرو به بالکن واحدها. (کنترل دسترسی)
- تلاش در راستای نورگیر بودن راهرو از طریق انتخاب گونه ایوانی یا نورگیرهای سقفی در طبقه فوقانی یا وید و ... (نظارت طبیعی)
- افزایش تعداد ورودی‌های ساختمان و ملزومات آن (دروازه، لابی، حیاط، پارکینگ و ...) در صورت افزایش تعداد واحدهای ساختمان بیش از حد مجاز اصل قلمروپایی با هدف تقسیم شدن تعداد استفاده‌کنندگان از فضاهای اشتراکی. (قلمروپایی)

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران: میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸)، مجموعه رویه‌های بین المللی پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران: میزان.
- استولارد، پل (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی مسکن، سیدمناف هاشمی و سیدعلی حسین پور، تهران: طهران.
- اشنایدر، ریچارد و کیچن، تد (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی شهری (برای پیشگیری از جرم)، فرزانه سجودی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- اشنایدر، تاد (۱۳۸۵)، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزش، چاپ اول، سروش بهریز، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

- اک، جان ای، اسپنسر چینی، جمزجی کامرون، میشل لیتنر و رونالدای ویلسون (۱۳۹۰)، تهیه نقشه برای تحلیل بزه کاری، محسن کلانتری و مریم شکوهی، زنجان: آذر کلک.
- اکبری، الهه و محمد زهدی گهرپور (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر تحلیل مکانی جرم و جنایت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، چاپ اول، سبزوار: سینا کتاب.
- ایرانی بهبهانی، هما و سبا شیخی (۱۳۹۳)، «پیشگیری محیطی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی در پارک‌های شهری»، فصل‌نامه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره دهم، شماره ۳۳، ص ۳۶-۹
- پنیا، ویلیام ام و استیون ای پارشال (۱۳۸۱)، مبانی برنامه‌ریزی معماری، چاپ دوم، محمد احمدی نژاد، اصفهان: خاک.
- محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی‌بیگی (۱۳۸۸)، «نقش طراحی محیط در پیشگیری از جرم»، فصل‌نامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نه، شماره ۲، ص ۳۴۵-۳۶۷.
- جلالی، محدثه و سیدمهدی سیدزاده ثانی (۱۳۹۵)، «ارزیابی پروژه مسکن مهر شهرستان بجنورد از منظر نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۳۳-۵۷.
- جوان جعفری، عبدالرضا و سید مهدی سیدزاده ثانی (۱۳۹۱)، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران: میزان.
- جواهریان، مهرداد و سیدین، سیدامین (۱۳۹۰)، «اصول پایه در شکل‌گیری مسکن ایرانی»، نخستین همایش ملی مسکن ایرانی. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- چری، ادیت (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی برای طراحی (از تئوری تا عمل)، شهناز پورناصری، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حبیبی، سیدمحسن و صدیقه مسایلی (۱۳۸۷)، سرانه کاربری‌های شهری، تهران: نشر سازمان ملی زمین و مسکن.
- دامارت، لوسیا و دیگران (۱۳۹۳)، جامعه و احساس امنیت، چاپ اول، حسین بهروان، قم: ائمه (ع).
- دانستر، دیوید (۱۳۸۵)، «جان کلام طراحی»، عباس مخبر، مجله معمار، شماره ۳۸، ص ۲۰-۲۳
- ذوالقدر، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۱)، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، تهران: میزان.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

راسخ، قربان پور و بابایی، محمد علی (۱۳۹۶)، «ارزیابی طرح مسکن مهر رشت از منظر پیشگیری محیطی از جرم»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره پیاپی ۱۵، ص ۲۰۷-۲۳۵. زیاری، کرامت... (۱۳۸۸)، برنامه ریزی کاربردی اراضی شهری، چاپ یازدهم، تهران: دانشگاه تهران.

قاسم زاده، مسعود (۱۳۹۱)، معیارهای ابعادی و ملاحظات طراحی فضاهای واحد مسکونی شهری، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

کلارک، رونالد وی (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرم مطالعه موردی سرقت خودروها و سرقت از خودروهای داخل پارکینگ، مهدی مقیمی و مرتضی مقیمی، تهران: روناس.

کلارک، رونالد وی و جان اک (۱۳۸۸)، جرم شناسی پیشگیری ۶۰ رویه و راه کار برای پیشگیری از جرم، چاپ اول، (مهدی مقیمی و مهدیه تقیزاده، تهران: سازمان زرد.

کلکوهن، ایان (۱۳۸۷)، طراحی عاری از جرم؛ ایجاد مناطق امن و پایدار، حمیدرضا عامری سیاهویی و مهرداد رایجیان اصلی، تهران: نشر میزان.

کوردنر، گری (۱۳۹۰)، کاهش ترس از جرم، اسماعیل حسنوند و احسان حسنوند، تهران: جامعه شناسان.

گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۹۱)، روش های تحقیق در معماری، علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران.

گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرائم، چاپ دوم، تهران: جهان جام جم.

گل، یان و بیگیت اسوار (۱۳۹۴)، بررسی زندگی فضاهای عمومی، چاپ اول، محمدسعید ایزدی، سمانه محمدی و سمانه خبیری، تهران: نشر اول و آخر.

گلدشتاین، آرنولد (۱۳۹۱)، روان شناسی تخریب گری (رفتار مخرب)، چاپ اول، (جهانبخش نیکوپور، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

فلسون، مارکوس و رونالد کلارک (۱۳۸۸)، «اخلاق پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، مجید قورچی بیگی، سال چهارم، شماره ۱۲، ص ۱۶۷-۱۹۹.

محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (از نظریه تا کاربرد)، چاپ اول، تهران: میزان.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی (قسمت دوم)»، نشریه امنیت، دوره چهارم، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۲۹-۱۵۰.



- Abdullah, Aldrin, Mohd Najib Mohd Sallehb, and Siti Rasidah Md Sakipa. (2011). Fear of Crime in Gated and Non-gated Residential Areas. Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies. 35, pp. 63 – 69. Famagusta: Elsevier - Procedia - Social and Behavioral Sciences.
- Cozens, Paul, and Terence Love. (2015). A Review and Current Status of Crime. Journal of Planning Literature, 1-20. doi:10.1177/0885412215595440
- DeKeseredy, Walter S, Alvi Shahid, Claire M. Renzetti, and Martin D. Schwartz. (2005). Reducing Private Violence against Women in. UKnowledge, University of Kentucky, 3(1), 27-36. Retrieved from http://uknowledge.uky.edu/crvaw_facpub
- Ryan, Sean, and Bill Pitard. (2010). Crime Prevention Through Environmental. Washington, DC: American Public Transportation Association.
- Sakip, Siti Rasidah Md, and Aldrin Abdullah. (2010). Measuring Crime Prevention through Environmental Design. ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies. 42, pp. 340 – 349. Sarawak, Malaysia: Elzevir - Procedia - Social and Behavioral Sciences.